

Providing a Model for organizational structure of Third Generation in the field of Medical Sciences

Zarei, Reza*¹ , Afshari, Mehrafrooz² , Jafari, Masumehz³ 

Abstract

Introduction: The necessity of changes in universities moving from the second to the third generation, requires scientific and applied studies in this field. The present study aimed to provide a model for the organizational structure of third generation of Medical Universities.

Methods: This qualitative study was conducted in Medical Universities in Tehran and Fars provinces. The population consisted of 288 assistants and senior experts 18 of whom were selected as statistical sample by using the theoretical saturation method. An open-ended interview was used to collect data which were then analyzed using MAXQDA12 software and three phases of open, axial and selective coding to develop a grounded theory and a model.

Results: The final model represented 6 main categories of internal and external requirements, university structure, consolidation of organizational structure and the existing barriers, internal factors, and entrepreneurship all of which can be considered as the innovation of this study.

Conclusion: The internal and external needs of universities affect the structures of the third generation universities; therefore, some strategies are needed to consolidate the organizational structures. These strategies are also affected by internal factors and barriers, and would ultimately lead to entrepreneurship and its advantages.

Keywords: Third Generation University, Medical Universities, Structure, Grounded theory.

• Received: 13/Feb/2019 • Modified: 09/June/2019 • Accepted: 15/June/2019

DOI:

1. Assistant Professor of educational management group, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran. (zareireza955@gmail.com)

2. Ph.D. student of educational management, School of educational management, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran. (afshari.mehri@gmail.com)

3. Ph.D. student of educational management, School of educational management, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran. (jafari.masumeh1394@gmail.com)



ارائه مدل تثبیت ساختار دانشگاه نسل سوم در حوزه علوم پزشکی

رضا زارعی*^۱، مهرافرز افشاری^۲، معصومه جعفری^۳

چکیده

مقدمه: لزوم اعمال تغییرات در دانشگاه‌ها از نسل دوم به نسل سوم، نیاز به انجام پژوهش‌های علمی و کاربردی در این زمینه را مشخص می‌سازد. پژوهش حاضر با هدف ارائه مدلی جهت تثبیت ساختار دانشگاه نسل سوم در دانشگاه علوم پزشکی صورت گرفت.

روش‌ها: پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی بوده که در آن از روش نظریه زمینه‌ای استفاده شد. ابتدا، تعداد ۱۸ نفر از معاونین و کارشناسان ارشد دانشگاه‌های علوم پزشکی در استان‌های تهران و فارس به عنوان نمونه آماری و با روش اشباع نظری از بین ۲۸۸ نفر انتخاب و سوال‌های مورد نظر پژوهش از آنها در قالب مصاحبه باز و در بازه زمانی دی و بهمن ماه ۱۳۹۷ پرسیده شد. با استفاده از نرم افزار Maxqda12 و طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل و مدل نهایی به دست آمد.

یافته‌ها: مدل نهایی دارای شش مقوله اصلی نیازمندی‌های درونی و بیرونی، ساختار دانشگاه، تثبیت ساختار، موانع تثبیت ساختار، عوامل درون سازمان و کارآفرینی می‌باشد. بر اساس این متغیرهای مهم در زمینه تثبیت ساختار که در حقیقت نقطه اهمیت و نوآوری در پژوهش حاضر می‌باشد و در پژوهش‌های گذشته به صورت تخصصی مورد توجه نبوده است تعیین گردید.

نتیجه‌گیری: بر اساس مدل نهایی به دست آمده نیازهای درونی و بیرونی دانشگاه بر ساختار دانشگاه نسل سوم تاثیر می‌گذارد و این موجب استفاده از استراتژی‌هایی در راستای تثبیت ساختار می‌گردد. استراتژی‌های تثبیت ساختار نیز تحت تاثیر عوامل درون سازمانی و موانع تثبیت ساختار قرار گرفته و در نهایت موجب کارآفرینی و مزایای حاصل از کارآفرینی می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: دانشگاه نسل سوم، دانشگاه علوم پزشکی، ساختار، نظریه زمینه‌ای

• وصول مقاله: ۹۷/۱۱/۲۴ اصلاح نهایی: ۹۸/۰۳/۱۹ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۳/۲۵

DOI:

۱. استادیار مدیریت آموزشی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران، نویسنده مسئول Zareireza955@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، مرودشت، ایران afshari.mehri@gmail.com
۳. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، مرودشت، ایران jafari.masumeh1394@gmail.com

آموزش و پژوهش در نظام دانشگاهی متحول شده و مهارت‌ها و توانایی‌های جامعه دانشگاهی (دانشجویان، دانش‌آموختگان، اعضای هیئت علمی، مدیران و کارکنان) در راستای نوآوری و کارآفرینی ارتقاء یابد. [۲]

در کل و با توجه به موارد مطرح شده در خصوص مفهوم دانشگاه نسل سوم می‌توان عمده ویژگی‌های این دانشگاه را بیان داشت. کارآفرینی و فرهنگ کارآفرینی از جمله مهمترین ویژگی‌های این دسته از دانشگاه‌ها می‌باشد و با توجه به محوریت این موضوع، در بسیاری از مقاله‌ها و کتاب‌ها این دانشگاه به عنوان دانشگاه کارآفرین شناخته می‌شود. [۲] دیگر ویژگی کلیدی در دانشگاه‌های نسل سوم، ارتباط با جامعه و محیط خارج از دانشگاه می‌باشد. این ارتباط می‌تواند پاسخگوی نیازهای موجود در جامعه باشد و از طرف دیگر نیز دستاوردهای خود را برای جامعه بفرستد. دیگر ویژگی دانشگاه‌های کارآفرین عمل به شیوه کارآفرینانه می‌باشد. این دانشگاه‌ها مراکز رشد تجاری و پارک‌های علم و فن آوری و دیگر مراکز مورد نیاز را سازماندهی می‌کنند و دانشجویان را در این ساختارها مشارکت می‌دهند و از این طریق به دانشجویان و دانش‌آموختگان در ایجاد و راه‌اندازی کسب و کار کمک می‌کنند. [۵]

دیگر ویژگی مربوط به این دانشگاه‌ها مربوط به ساختار این دسته از دانشگاه‌ها می‌باشد. ساختار سازمانی آینده تمام نمای مقررات، رویه‌ها، استانداردها، جایگاه تصمیم‌گیری، الگوهای ارتباطات، روابط گزارش‌دهی و گزارش‌گیری، تلفیق وظایف و فعالیت‌ها، جریان اطلاعات، سلسله مراتب اختیار و مسئولیت است. [۶] که به وسیله نمودار سازمانی نشان داده می‌شود و سبب می‌شود تا کارکنان با شرایط تدوین شده، سازمان خود را منطبق سازند. [۷]

با توجه به بدیع بودن دانشگاه‌های نسل سوم، تعداد پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه نیز اندک می‌باشد و این کمبود به ویژه در زمینه پژوهش‌هایی که متمرکز بر دانشگاه‌های علوم پزشکی باشد بیشتر احساس می‌شود. از جمله پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه مربوط به واکاوی مؤلفه‌های ساختار

مقدمه

وظیفه اصلی سیستم‌های آموزشی در دانشگاه‌های علوم پزشکی، امر آموزش و انتقال مفاهیم علمی به دانشجویان می‌باشد، اما محوریت این موضوع تنها در مفهوم دانشگاه نسل اول جای دارد و نسل‌های بعدی از دانشگاه‌ها مفاهیم گسترده‌تری را مد نظر قرار می‌دهند. بر همین مبنا، در دانشگاه نسل دوم موضوع آموزش و پژوهش در کنار هم مطرح می‌شود و در دانشگاه نسل سوم نیز در کنار آموزش و پژوهش، نقش مشارکتی دانشگاه در توسعه اقتصادی اجتماعی جامعه، نوآوری و انتقال فن‌آوری، آشکار سازی نتایج دانش و خلق ثروت پدیدار می‌گردد. [۱] در حقیقت در دانشگاه نسل سوم انتظار می‌رود که با تمرکز ویژه‌ای که بر کارآفرینی و به کارگیری کارآفرینی در فعالیت‌های کاربردی می‌شود، جایگاه دانشگاه‌ها در اقتصاد دانشی تبیین شده و گام مهمی در راه کسب ثروت و در آمدزایی برای دانشگاه‌ها برداشته شود. بر همین اساس دانشگاه‌های نسل سوم، عموماً کارآفرین و مبتنی بر کارآفرینی و حل مسائل جامعه با رویکرد علمی و نظام یافته در تعامل با محیط پیرامونی هستند. [۲]

دانشگاه نسل سوم، با محوریت و مأموریت کانونی کارآفرینی تشکیل شد. بر اساس تعاریف ارائه شده دانشگاه کارآفرین یک نیروی مرکزی برای نوآوری، خلاقیت و رشد اقتصادی است که هسته آن، ارتباط بین برج عاج (دانشگاه سنتی) و جهان واقعیت (نیازهای اقتصادی اجتماعی جامعه) است. [۳] جاکوب و همکاران نیز یک دانشگاه کارآفرین را بر اساس بنیان تجاری سازی (آموزش سفارشی، خدمات مشاوره‌ای و فعالیت‌های تحقیق و توسعه) و کالایی کردن (ثبت اختراع، مجوزها یا کسب و کارهای ایجاد شده از سوی دانشجویان معرفی می‌نمایند. [۴]

علت اصلی تشکیل این نوع از دانشگاه‌ها آن است که با روند تحولات ملی و بین‌المللی و گذار از جامعه صنعتی به جامعه دانشی، اتخاذ راهبردهای اثربخش برای استفاده از ارزش‌ها و فرصت‌های جدید در دانشگاه‌ها ضروری است و باید الگوهای



منظورهای کلیدی دانشگاه نسل سوم (کارآفرین)، توسعه مهارت‌های شغلی، حرفه‌ای و شایستگی‌ها و توانمندسازی دانشجویان و استادان همسو با فرآیند توسعه ملی و حل مسائل جامعه به روش علمی بیان شده است. [۲] با توجه به مطالب ارائه شده می‌توان اذعان داشت که اگرچه پژوهش‌های گذشته توانسته‌اند موضوع دانشگاه نسل سوم را معرفی و مورد بحث قرار داده‌اند، اما نتایج به دست آمده تنها محدود به معرفی بوده است و امر بدیهی آن است که زمانی می‌توان از دستاوردهای این دانشگاه‌ها استفاده کرد که ساختار این دانشگاه‌ها تثبیت و نهادینه شود.

نکته مهم در میان پژوهش‌های صورت گرفته آن است که در اغلب موارد معرفی دانشگاه نسل سوم و شناسایی مولفه‌های آن در دانشگاه‌های علوم پزشکی مد نظر بوده است و این امر موجب ناشناخته ماندن چگونگی اجرا و تثبیت این پارادایم شده است. به بیان دیگر خلاء تحقیقاتی مشاهده شده در زمینه دانشگاه نسل سوم در حوزه علوم پزشکی مربوط به چگونگی تثبیت ساختار این دانشگاه‌ها می‌باشد و این امر به نوبه خود می‌تواند موجب کاهش احتمال دستیابی به مزایای بالقوه این سیستم و در نتیجه دلسردی مسئولین و سیاستگذاران و به تبع آن حذف تدریجی این پارادایم سودمند گردد. از طرف دیگر، نگاه ویژه به تثبیت ساختار دانشگاه نسل سوم در حوزه علوم پزشکی از طریق یک پژوهش بنیادی و کسب نتایج کاربردی و بومی می‌تواند چهره این پارادایم را از حالت نظری صرف به سمت عملیاتی سوق دهد و چگونگی ایجاد کارآفرینی، اقتصاد دانشی و کسب ثروت را نهادینه سازد. بررسی وضعیت موجود و خلاء تحقیقاتی ذکر شده و لزوم دستیابی به نتایج کاربردی در حوزه تثبیت ساختار دانشگاه نسل سوم که در حقیقت بر اساس نیاز جدی دانشگاه‌های علوم پزشکی می‌باشد باعث ایجاد یک مساله اساسی شده است. بر همین مبنا، هدف اصلی در پژوهش حاضر طراحی و تدوین مدلی جهت تثبیت ساختار دانشگاه نسل سوم در حوزه علوم پزشکی می‌باشد و جهت دستیابی به این هدف دو پرسش عمده زیر مد نظر قرار گرفته است.

سازمانی دانشگاه‌های علوم پزشکی در گذار به دانشگاه نسل سوم می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در شرایط فعلی بر پیچیدگی، رسمیت و تمرکز در ساختار سازمانی دانشگاه‌های علوم پزشکی تاکید می‌گردد و می‌باید تغییرات قابل ملاحظه‌ای در ساختار سازمانی این دانشگاه‌ها صورت گیرد. [۷] برخی دیگر نیز حرکت به سوی نسل سوم دانشگاه‌های علوم پزشکی را مورد بررسی قرار داده‌اند.

نتایج به دست آمده در این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که برای شکل‌گیری دانشگاه نسل سوم و بهره‌مندی از مزایا و مواهب این نسل دانشگاهی باید مهارت‌آموزی دانشجویان، اعضای هیئت علمی، مدیران و کارکنان نظام دانشگاهی در کانون راهبردها و سیاست‌های نهاد دانشگاه و آموزش عالی قرار گیرد. [۸] در پژوهش دیگر کشف و اولویت‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر ساختار دانشگاه کارآفرین را مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که به منظور تحقق دانشگاه کارآفرین، می‌باید تغییرات ساختاری در نظام آموزش عالی به ویژه در ابعاد استقلال، ترکیب و حرفه‌ای‌گرایی صورت گیرد، زیرا محیط ساختاری دانشگاه کارآفرین باید مشوق فضای خلاقیت و هم‌افزایی باشد. همچنین، نقش ترکیبی رهبر که از مولفه‌های ترکیب و استقلال محسوب می‌شوند، از جمله تاثیرگذارترین مولفه‌های مؤثر در ساختار مذکور هستند. [۹] در پژوهش دیگر موضوع در دانشگاه نسل سوم کارآفرین و ثروت آفرین چرا و چگونه بررسی شده است. در این پژوهش به بیان ضرورت ایجاد دانشگاه کارآفرین، ویژگی دانشگاه کارآفرین، حوزه‌های فعالیت دانشگاه کارآفرین، پیشنهادها و راهکارهای توسعه دانشگاه‌های کارآفرین و نمونه‌ایی از چند دانشگاه کارآفرین پرداخته شده است. [۱۰] برخی دیگر نیز موضوع مهارت‌آموزی در دانشگاه‌های نسل سوم را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این پژوهش شکل‌گیری و اثربخشی دانشگاه کارآفرین، بدون توسعه نظام مند آموزش کارآفرینی و مهارت‌آموزی مؤثر دانشجویان، استادان، مدیران و کارکنان نظام دانشگاهی و تقویت ویژگی‌های کارآفرینی منابع انسانی دانشگاه، امکان‌پذیر عنوان شده است. بنابراین، یکی از وجوه و

پرسش‌های مد نظر در این بخش، به صورت کلی و باز و پس از بررسی تایید آن توسط شش نفر از اساتید دانشگاهی در حوزه مدیریت آموزشی مورد استفاده قرار گرفت. برای گردآوری داده‌ها نیز ابتدا هماهنگی‌های لازم با جامعه آماری صورت گرفته است و پس از مشخص شدن نمونه آماری، بر اساس روش در دسترس، مقدمات مصاحبه فراهم و فرآیند مصاحبه با استفاده از ضبط صدا و به طور متوسط در حدود نیم ساعت انجام شد.

پس از جمع‌آوری مصاحبه‌ها، فرآیند تحلیل داده‌ها آغاز گردید. برای انجام این کار از نرم‌افزار MAXQDA ۱۲ استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد شامل سه مرحله کدگذاری می‌باشد. در مرحله اول و در کدگذاری باز، کلیه متن‌های مصاحبه جمع‌آوری شده که پیش از این به صورت فایل متنی ذخیره و وارد نرم‌افزار شده است بررسی و بخش‌هایی از آن که نشان‌دهنده مفهوم می‌باشد، مشخص و برای آن یک برچسب مناسب تعیین می‌گردد. در آخر مرحله کدگذاری باز، برچسب‌های تکراری و هم‌معنا ادغام می‌گردند. پس از مرحله کدگذاری باز، فرآیند کدگذاری محوری آغاز گردید. کدگذاری محوری فرایند مرتبط کردن مقوله‌های فرعی به مقوله‌های اصلی تر را شامل می‌شود که بر اساس مقایسه و طرح پرسش صورت می‌گیرد. اگرچه فرآیند گنجاندن مقوله‌ها در یک مفهوم اصلی می‌تواند به هر شکل ممکن صورت بگیرد، اما برخی از مدل‌های تدوین شده که تنها عوامل اصلی و ارتباط بین آنها را معرفی کرده است، می‌تواند در این امر به عنوان راهنما و الگو مورد استفاده قرار بگیرد. الگوی مورد توجه در مرحله کدگذاری محوری این پژوهش، الگوی پارادایمی [۱۱]، می‌باشد. کدگذاری گزینشی سومین مرحله کدگذاری است که کدگذاری محوری را در سطحی انتزاعی تر ادامه می‌دهد. در این مرحله، شکل‌گیری و پیوند هر دسته بندی با سایر گروه‌ها تشریح می‌شود. خروجی این سه مرحله مدل نهایی پژوهش می‌باشد.

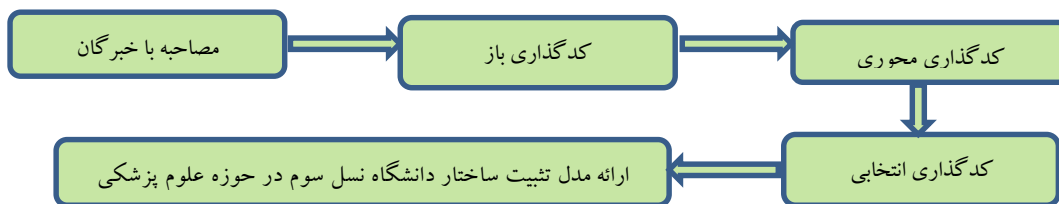
مراحل انجام این پژوهش به ترتیب در نمودار شماره یک نشان داده شده است.

- چه عوامل و مقوله‌هایی در تثبیت ساختار دانشگاه نسل سوم دخیل هستند؟
- ارتباط بین این عوامل و مدل ساختاری حاصل از ارتباط درونی بین این عوامل چگونه است؟

روش‌ها

پژوهش حاضر یک تحقیق کیفی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد می‌باشد. جامعه آماری مورد نظر در پژوهش حاضر، شامل معاونین دانشگاه و کارشناسان ارشد دانشگاه‌های علوم پزشکی استان فارس و استان تهران که پیش از این دارای سابقه مدیریتی بوده‌اند، می‌باشد. طبق اطلاعات به دست آمده، تعداد این افراد برابر با ۲۸۸ نفر است که با عنایت بر عدم دسترسی به تمامی این افراد از نمونه‌گیری استفاده شده است. برای انجام نمونه‌گیری دو عامل تعداد نمونه و روش نمونه مد نظر است. برای تعیین تعداد نمونه از روش اشباع نظری استفاده شده است. در این روش، فرآیند نمونه‌گیری تا جایی ادامه پیدا می‌کند که مطلب جدیدی به دست نیاید. به بیان دیگر، زمانی که مصاحبه‌کننده متوجه شود که مطالب ارائه شده از سمت مصاحبه‌شوندگان تکراری است، فرآیند مصاحبه را قطع می‌کند. شایان ذکر است که در این پژوهش بعد از مصاحبه هجدهم، حالت اشباع نظری به وجود آمده است و در نتیجه تعداد نمونه آماری ۱۸ نفر بوده است. برای روش نمونه‌گیری نیز از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شده است. بر اساس این روش، افرادی از جامعه آماری که در دسترس پژوهشگر بوده و تمایل به همکاری در این پژوهش را داشته‌اند، انتخاب شده‌اند.

پژوهش حاضر در بازه زمانی دی ماه ۱۳۹۷ تا اسفند ماه ۱۳۹۷ در استان‌های فارس و تهران انجام شده است. همچنین، محیط انجام این پژوهش نیز دانشگاه‌های علوم پزشکی بوده است. برای گردآوری داده‌ها، از ابزار مصاحبه حضوری استفاده شده است. علت استفاده از این ابزار، مهیا کردن داده‌های مورد نیاز برای انجام تحلیل‌های داده‌بنیاد بوده است. این ابزار به صورت محقق ساخته تدوین و دارای یک سوال کلی با محوریت تثبیت ساختار دانشگاه نسل سوم در حوزه علوم پزشکی بوده است.



شکل ۱: مراحل انجام پژوهش

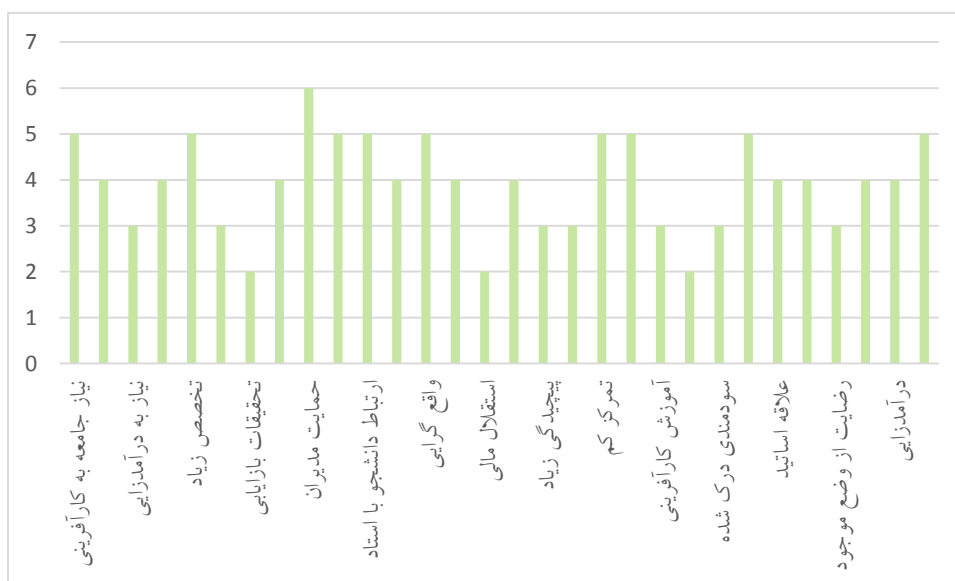
۳۱ تا ۴۰ سال، پنج نفر بین ۴۱ تا ۵۰ و نه نفر دیگر بیشتر از ۵۰ سال سن داشته اند. از نظر مدرک تحصیلی نیز تمامی این افراد دارای مدرک دکتری تخصصی بوده اند.

بر اساس نتایج مرحله کدگذاری باز، تعداد کدهای باز به دست آمده در این بخش تعداد ۱۱۸ عدد بوده است. مبنای نامگذاری کدها معنی و مفهوم جملات بوده است. در ادامه کدگذاری باز، تمامی کدهای تکراری و یا دارای مفهوم مشابه با هم یکی شدند و با عنوان یک نام مشترک شناخته شدند. از این پس کدهای باز به دست آمده تحت عنوان مفاهیم شناخته می شوند. تعداد مفاهیم در این مرحله ۳۰ عدد و توزیع آن مطابق با نمودار شماره یک بوده است.

یافته ها

نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر را می توان در پنج بخش اصلی عنوان نمود. در بخش اول نتایج مقدماتی مصاحبه های صورت گرفته با خبرگان می باشد. در بخش دوم چگونگی انجام کدگذاری باز و یافته های آن، در بخش سوم چگونگی انجام کدگذاری محوری و در بخش چهارم کدگذاری انتخاب ارائه می شود. در نهایت و در بخش آخر نیز چگونگی اثبات مدل به دست آمده در کدگذاری انتخابی معرفی می شود. در ادامه نتایج معرفی شده ارائه می شود.

بر اساس نتایج پژوهش حاضر، با توجه به این اطلاعات، تمام پاسخ دهندگان مرد بوده اند. همچنین چهار نفر از این افراد بین



نمودار ۱: توزیع تعداد کدهای باز در مفاهیم اصلی

توزیع درآمد دانشگاه، ارزش درک شده و سودمندی درک شده می باشد و با توجه به محتوای راهبردهای ارائه شده، نام این مقوله به تثبیت ساختار تغییر می کند.

در پژوهش حاضر، شرایط درون دانشگاه های علوم پزشکی به عنوان عوامل بستر شناخته می شوند و شامل مفاهیم حمایت مدیران ارشد، انگیزه های مالی، علاقه دانشجویان و اساتید و ارتباط دانشجویان و اساتید می باشند. در حقیقت، تثبیت ساختار دانشگاه نسل سوم در بستر این عوامل رخ می دهد. با عنایت بر ماهیت این عوامل، نام این مقوله به عوامل درون سازمانی تغییر پیدا می کند.

عوامل مداخله گرد عواملی هستند که بر عملکرد استراتژی های تاثیر گذار می باشند. تفاوت عمده بین این عوامل و عوامل بستر در ماهیت وجودی آنها و همچنین امکان تغییر در آنها می باشد. در حقیقت، عوامل بستر ماندگارتر بوده و در بازه زمانی بیشتر ثابت می مانند، اما عوامل مداخله گر قابلیت تغییر بیشتری دارند. در پژوهش حاضر، مجموعه عواملی که بر تثبیت ساختار اثرگذار هستند به عنوان عوامل مداخله گر شناخته می شوند و شامل هزینه های تغییر، کلیشه های سنتی و رضایت از وضع موجود می باشد. همچنین با عنایت بر ماهیت متغیرهای ذکر شده، نام این مقوله به موانع تثبیت ساختار تغییر پیدا می کند.

در پژوهش حاضر، نتایج محتمل تثبیت ساختار دانشگاه نسل سوم به عنوان پیامد شناخته می شود و بر همین اساس نیز مجموعه مفاهیم واقع گرایی، ارتباط دانشگاه با جامعه، کارآفرینی سودمند، درآمدزایی، استقلال مالی دانشگاه و افزایش انگیزه کارآفرینی به عنوان پیامدهای این مدل شناخته شده و نام این مقوله را به کارآفرینی که در حقیقت خروجی اصلی دانشگاه نسل سوم است تغییر می دهد.

در کل و با توجه به توضیحات ارائه شده، تخصیص کدهای باز به دست آمده و مدل به دست آمده در کدگذاری محوری، در شکل یک ارائه شده است.

در مرحله کدگذاری محوری، فرآیند مدل سازی و تعیین مقوله هر مفهوم و همچنین ارتباط بین مقوله های اصلی مشخص شد. برای انجام این کار از الگوی پارادایمی [۱۱] استفاده می گردد. این مدل پارادایمی، به دلیل جامعیت موجود در زمینه مقوله ها، در بسیاری از پژوهش های نظریه زمینه ای مورد استفاده بوده است. این الگو از شش مقوله اصلی شرایط علی، مقوله اصلی، راهبردها، عوامل بستر، عوامل مداخله گر و پیامدها تشکیل شده است. اساس کار در مرحله کدگذاری موری اختصاص مفاهیم به دست آمده در کدگذاری باز به مقوله های موجود در مدل استراوس و کوربین می باشد. در ادامه نحوه اختصاص مفاهیم به دست آمده به شش مقوله ارائه می شود.

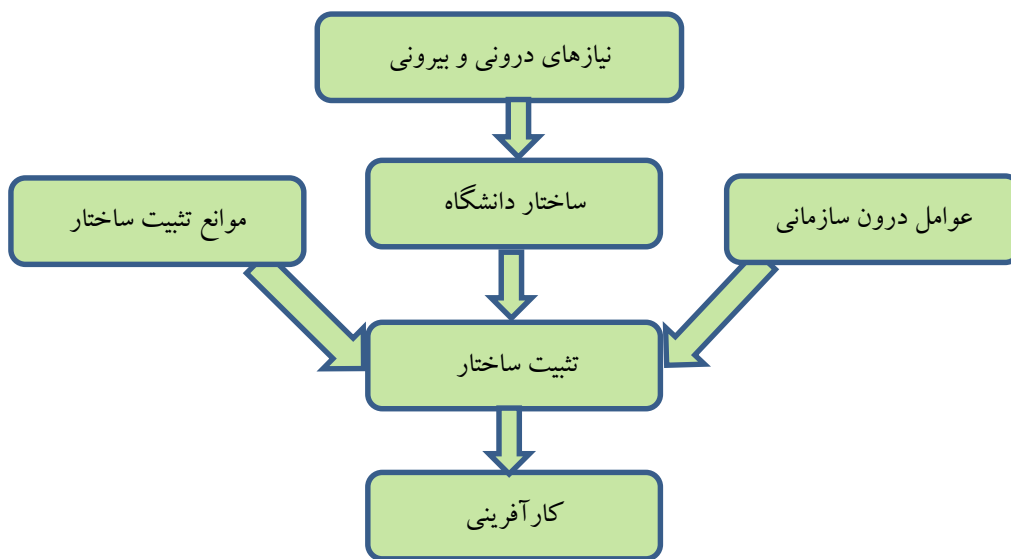
از آنجائیکه موضوع پژوهش حاضر، تثبیت ساختار دانشگاه نسل سوم می باشد، در نتیجه مجموعه عواملی که موجب به وجود آمدن دانشگاه نسل سوم و تثبیت ساختار آن می شود، به عنوان شرایط علی شناخته می شوند. بر همین اساس مجموعه عوامل نیاز جامعه، نیاز به تغییر، نیاز به درآمدزایی، نیاز به خودکفایی مالی و همسویی با شرایط روز به عنوان شرایط علی شناخته می شوند. که با نام مقوله نیازهای درونی و بیرونی اینجا آورده شده است.

مقوله اصلی در پژوهش حاضر، در حقیقت ساختار دانشگاه نسل سوم است و کل مدل به دنبال تثبیت ساختار آن است. در نتیجه مجموعه عواملی که در ارتباط با ساختار دانشگاه نسل سوم می باشد در این مقوله جای می گیرد و می توان نام این مقوله را به ساختار دانشگاه نسل سوم تغییر داد. همچنین در این مقوله، مجموعه مفاهیم پیچیدگی زیاد، تمرکز کم، رسمیت کم و تخصص زیاد جای می گیرد.

در پژوهش حاضر، مجموعه تصمیمات اساسی که موجب تثبیت ساختار دانشگاه نسل سوم می شود به عنوان راهبردها شناخته شده و در مقوله راهبردهای پژوهش جای می گیرد. مجموعه مفاهیم موجود در این مقوله شامل فرهنگ کارآفرینی، نفوذ ۳۶۰ درجه، آموزش کارآفرینی، تحقیقات بازاریابی،

جدول ۱: نتایج تخصیص مفاهیم به مقوله ها

مفهوم	مقوله
نیاز جامعه، نیاز به تغییر، نیاز به درآمدزایی، نیاز به خودکفایی مالی، همسو بودن با شرایط روز، پیچیدگی زیاد، تمرکز کم، رسمیت کم، تخصص زیاد	۱ نیازمندیهای درونی و بیرونی
فرهنگ کارآفرینی، نفوذ ۳۶۰ درجه، آموزش کارآفرینی، تحقیقات بازاریابی، توزیع درآمد دانشگاه، ارزش درک شده، سودمندی درک شده	۲ ساختار دانشگاه نسل سوم
حمایت مدیران ارشد، انگیزه های مالی، علاقه دانشجویان و اساتید، ارتباط دانشجویان و اساتید	۳ تثبیت ساختار دانشگاه نسل سوم
هزینه های تغییر، کلیشه های سنتی، رضایت از وضع موجود	۴ عوامل درون سازمانی
واقع گرایی، ارتباط دانشگاه با جامعه، کارآفرینی سودمند، درآمدزایی، استقلال مالی دانشگاه، افزایش انگیزه کارآفرینی	۵ موانع تثبیت ساختار
	۶ پیامدها



شکل ۱: نتایج کدگذاری محوری

کدگذاری انتخابی عبارت است از فرآیند انتخاب دسته بندی اصلی، مرتبط کردن نظام مند آن با دیگر دسته بندی ها، تأیید اعتبار این روابط، و تکمیل دسته بندی هایی که نیاز به اصلاح و توسعه بیشتری دارند. کدگذاری انتخابی بر اساس نتایج کدگذاری باز و کدگذاری محوری، مرحله اصلی نظریه پردازی است. به این ترتیب که مقوله محوری را به شکل نظام مند به دیگر مقوله ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و مقوله هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می کند. در این پژوهش کدگذاری انتخابی به صورت روایتی از ارتباط بین مفاهیم و مقوله های پژوهش ارائه می شود.

اصلی تغییر در ساختار دانشگاه ها محسوب می شود. همچنین درآمدزایی و نیاز به کسب درآمد و همچنین خودکفایی مالی و تکیه کمتر به بودجه های دولتی، دیگر عاملی است که لزوم دانشگاه های نسل سوم را ایجاد می کند. مجموعه این عوامل بر تغییر ساختار دانشگاه و رسیدن به ساختارهای دانشگاه نسل سوم تأثیر گذار می باشد. از طرف دیگر، ساختار دانشگاه نسل سوم و با توجه به تأثیرگذاری عوامل ذکر شده، نیاز به تغییر دارد و این تغییرات باید در زمینه افزایش پیچیدگی در ساختار، کاهش رسمیت و تمرکز در ساختار و افزایش تخصص گرایی در ساختار باشد. در نهایت نیز این امر نیاز به تثبیت دارد. تثبیت ساختار به عنوان یک استراتژی از مجموعه ای از تصمیمات تشکیل شده است. مهمترین فعالیت در این زمینه ایجاد فرهنگ کارآفرینی می باشد. همچنین موضوع کارآفرینی باید در

مدیریت سلامت ۱۳۹۸:۲(۲)

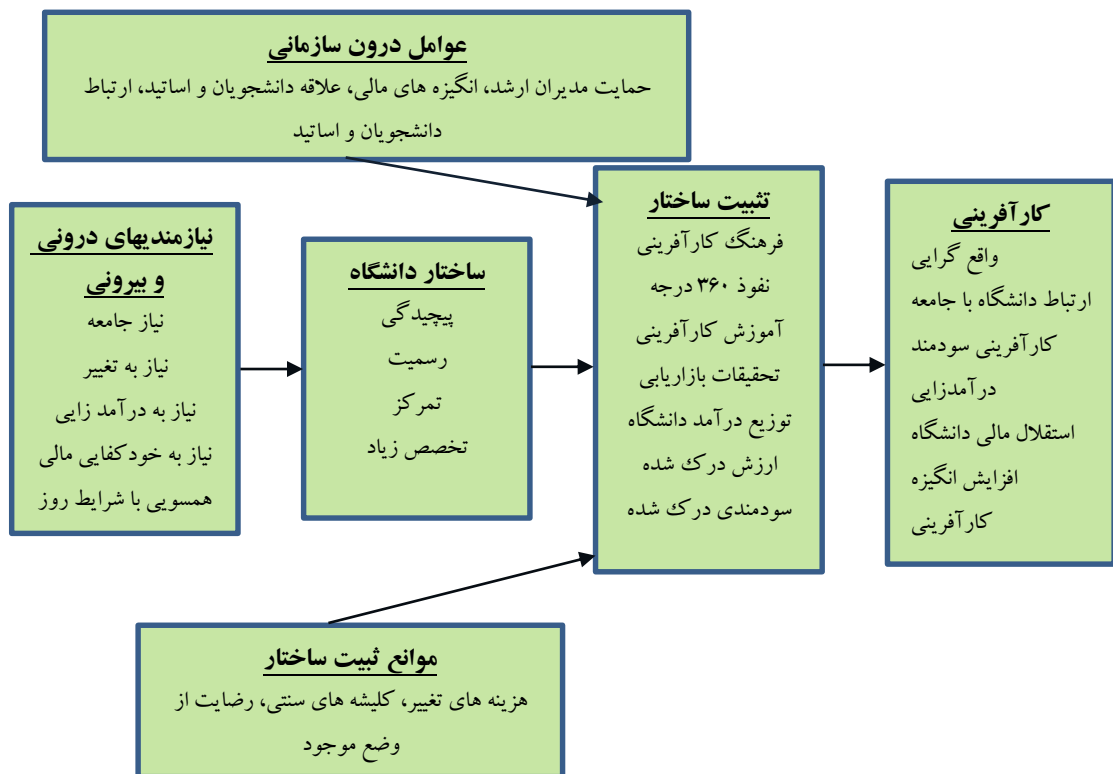
با توجه به مدل به دست آمده، نیاز جامعه به دانشگاه هایی که بتوانند خروجی عملیاتی محسوس و کاربردی را داشته باشند یکی از علل

از طرف دیگر برخی عوامل بر اجرای استراتژی‌ها تاثیرگذار می‌باشند. هزینه‌های تغییر از جمله این عوامل می‌باشد. در حقیقت ایجاد تغییر در هر ساختاری نیازمند هزینه می‌باشد و این امر می‌تواند در اجرای بسیاری از استراتژی‌ها اختلال ایجاد کند. کلیشه‌های سنتی در ذهن افراد دیگر عامل تاثیرگذار است و اجازه تغییر را نمی‌دهد. همچنین ممکن است که بسیاری از اساتید، دانشجویان و مدیران یک دانشگاه از وضعیت موجود راضی بوده این امر رسیدن به برنامه‌ها و ساختارهای مورد نیاز برای دانشگاه نسل سوم را با مشکل مواجه سازد.

در نهایت نیز فواید و مزایای حاصل از تثبیت ساختار دانشگاه نسل سوم قرار دارد. در این دانشگاه‌ها و به شرط تثبیت ساختار واقع‌گرایانه و رسیدن به هدف اصلی دانشگاه نسل سوم اتفاق می‌افتد، همچنین ارتباط دانشگاه با جامعه و سودمندی آن برای جامعه نمود بیشتری پیدا می‌کند. از طرف دیگر نیز درآمدزایی و به تبع آن استقلال مالی برای دانشگاه اتفاق می‌افتد. با توجه به موارد فوق، افزایش انگیزه برای کارآفرینی در کل دانشگاه نیز محتمل می‌باشد. نمودار شماره دو نشان‌دهنده مدل نهایی پژوهش می‌باشد.

کل سازمان نهادینه شود و در حقیقت یک نفوذ ۳۶۰ درجه‌ای مورد نیاز است. از طرف دیگر، کارآفرینی باید به کلیه دانشجویان و اساتید آموزش داده شود تا بتوانند مفهوم دقیق کارآفرینی را درک کنند. تحقیقات بازاریابی نیز دیگر امری است که می‌توان موجب تثبیت ساختار شود. در تحقیقات بازاریابی، نیازهای بازار و مردم شناخته می‌شود و این امر می‌تواند به کارآفرینی جهت بدهد. توزیع درآمد حاصل از کارآفرینی در کل دانشگاه نیز موجب بهبود و تثبیت کارآفرینی و اصول دانشگاه نسل سوم می‌گردد. این امر می‌تواند سودمندی درک شده و ارزش درک شده را نیز ارتقا ببخشد.

کلیه استراتژی‌ها و عملکردهای ذکر شده تحت تاثیر دو مقوله عوامل درون سازمانی و موانع تثبیت ساختار می‌باشد. در حقیقت اجرای این استراتژی‌ها تحت تاثیر حمایت مدیران ارشد سازمان است. اگر حمایت مدیران ارشد نباشد، تثبیت ساختار با مشکلات قابل توجهی همراه می‌باشد. همچنین نیاز به منابع مالی و یا انگیزه مالی در اساتید و دانشجویان می‌تواند بستر مناسبی برای تثبیت ساختار ایجاد کند. دیگر بستر مورد نیاز برای تثبیت ساختار علاقه دانشجویان و اساتید به موضوع کارآفرینی و دانشگاه نسل سوم می‌باشد و این امر نیازمند ارتباط دانشجویان و اساتید می‌باشد.



نمودار ۲: مدل تثبیت ساختار دانشگاه نسل سوم در حوزه علوم پزشکی



بحث

پژوهش حاضر با هدف ارائه مدلی در راستای چگونگی تثبیت ساختار دانشگاه های نسل سوم در حوزه علوم پزشکی تبیین گردید. با توجه به روش کیفی مورد استفاده و تمرکز بر نظریه زمینه ای، مدل جامع و بنیادی در راستای هدف پژوهش به دست آمد. بر اساس این مدل، دانشگاه های علوم پزشکی در گام اول باید نیازهای درونی و بیرونی دانشگاه را مورد بررسی قرار داده و متوجه شوند که آیا در محیط داخل و خارج از آنها نیاز به کارآفرینی و دانشگاه نسل سوم وجود دارد؟ چنانچه این نیاز وجود داشت باید ساختار دانشگاه را متناسب با دانشگاه نسل سوم تغییر دهند و در حقیقت ساختار را به گونه ای طراحی کنند که کارآفرینی را راحت تر سازد. در گام سوم دانشگاه ها باید تثبیت ساختار را با توجه به عوامل بستر و موانع تثبیت ساختار نهادینه سازند تا بتوانند کارآفرینی و مزایای کارآفرینی را به دست آورند. در حقیقت مدل به دست آمده بیانگر آن است که چه عواملی نیاز به تغییر در ساختار دانشگاه نسل سوم را موجب می شوند و این تغییر در ساختار باید در چه حوزه هایی باشد و در نهایت نیز چه راهبردهایی برای تغییر ساختار مورد نیاز است. همچنین عواملی که در تثبیت ساختار تاثیرگذار می باشند و همچنین منافع و نتایج تثبیت ساختار نیز مشخص می باشد. در نهایت و در مقایسه با تحقیقات گذشته، پژوهش حاضر جزئیات بیشتری را در زمینه ساختار دانشگاه نسل سوم و با تمرکز بر تثبیت ساختار این دانشگاه ارائه داده است. به بیان دیگر، در این پژوهش علاوه بر توجه به مفاهیم پیچیدگی، رسمیت و تمرکز که در پژوهش های گذشته مورد توجه بوده است [۷]. چگونگی ماهیت این سه متغیر همچنین، بر خلاف پژوهش های گذشته که در موضوع منافع، مزایا و منافع عینی ناشی از تثبیت ساختار را به صورت مختصر و کلی معرفی کرده اند [۸]. در این پژوهش کلیه موارد بررسی به صورت ویژه و با بیان جزئیات معرفی شده است و در کل می توان به عینی بودن نتایج این پژوهش، مشخص بودن نتایج، جامع بودن مولفه ها و متغیرها و همچنین تمرکز بر تثبیت ساختار اشاره کرد؛ موضوعی

که در نتایج دیگر پژوهش ها به خوبی مورد بررسی نبوده است.

[۹]

مدل به دست آمده می تواند مبنایی برای تثبیت ساختار و دریافت منافع حاصل از دانشگاه های نسل سوم در حوزه علوم پزشکی باشد. بنابراین پیشنهاد می شود که روسا و تصمیم گیرندگان در دانشگاه های علوم پزشکی این متغیرهای و ارتباط بین متغیرهای موجود در این مدل را به طور جدی در نظر داشته باشند تا بتوانند ضمن تثبیت ساختار دانشگاه نسل سوم، حداکثر بهره برداری را نیز از آن بکشند. بر همین اساس پیشنهاد می شود که روسای سازمانی ساختار دانشگاه را متناسب با نیازهای کارآفرینی تغییر داده و برای تثبیت این امر آموزش دوره های کارآفرینی را برای اساتید و دانشجویان دانشگاه برگزار کنند. همچنین ایجاد واحدهای تحقیقات بازار و بازاریابی برای درک بهتر نیازهای جامعه می تواند کارآفرینی را جهت دهد. از طرف دیگر توصیه می شود که مشاوران این امر، مزایا و ارزش های دانشگاه های نسل سوم را به خوبی منتقل نمایند تا ارزش این دانشگاه برای دیگران نیز مشخص شود. دیگر نکته مهم در این پژوهش مربوط به محدودیت های موجود می باشد. بر این اساس می توان به جامعه آماری این پژوهش اشاره کرد و اذعان داشت که نتایج این پژوهش بر اساس نظرات جامعه آماری در قلمرو مکانی و زمانی مشخص به دست آمده است و در نتیجه علاوه بر در نظر گرفتن این محدودیت در استفاده از نتایج، در تعمیم این نتایج به دیگر جوامع آماری رعایت جوانب احتیاط پیشنهاد می گردد. همچنین، در این پژوهش، موضوع دانشگاه نسل سوم با توجه به دانشگاه های علوم پزشکی مورد بررسی بوده است و در نتیجه تعمیم این نتایج به دیگر انواع دانشگاه باید با بررسی و تغییرات بیشتر همراه باشد.

ملاحظات اخلاقی

رعایت دستورالعمل های اخلاقی: در مطالعه حاضر تمامی ملاحظات اخلاقی از جمله شرط امانت و صداقت مود توجه قرار گرفته است.

حمایت مالی: پژوهش حاضر بدون حمایت مالی سازمانی انجام شده است.

تضاد منافع: نویسندگان اظهار داشتند که تضاد منافی وجود ندارد.

تشکر و قدردانی: در نهایت نویسندگان مقاله از خیرگان محترم پژوهش در دانشگاه علوم پزشکی استان تهران و فارس جهت همکاری در تهیه داده کمال تشکرو امتنان را دارد.

References

1. Nabipour I. Third Generation University and University of Crafters. Boshehr: Boshehr University. 2th edition. Boshehr: Bushehr University of Medical Sciences and Health Services: 2017. [In Persian].
2. Mehdi R. The place of training skills in third-generation universities. Magazine Skills. Maharat Amoozi.2015; 4(14): 103-117. [In Persian].
3. Mueller P. Exploring the knowledge filter: How entrepreneurship and university–industry relationships drive economic growth. Res Policy. 2006; 35 (10):1499-508.
4. Jacob M, Lundqvist M, Hellsmark H. Entrepreneurial transformations in the Swedish University system: the case of Chalmers University of Technology. Res Policy. 2003; 32 (9):1555-68.
5. Schulte P. The entrepreneurial university: a strategy for institutional development. Higher Education in Europe . 2004. 29(2): 91-187.
6. Rameshgar R, Rajaeipour S, Siyad S. Comparative study of organizational structure of Isfahan University and Isfahan University of Medical Sciences. HEL. 2015; 7(27): 77-98.
7. Raeisiyoon M, Abbaspour A, Rahimiyan H, Khorsandi A, Borozian S. Examining the components of the organizational structure of medical niversities in the transition to a third-generation university. Birjand MedicalUniversity.2018; 25: 1-15. [In Persian].
8. Hoseinzadeh F, Firoozi H, Siyah Posht A. Moving to the third generation of medical science universities. Journal of Education Development Center Yazd University of Medical Sciences.2018; 12 (4): 239-245. [In Persian].
9. Bagheri M, Norozi Kh, Mohammad M, Azadi J. Discovery and prioritization of the dimensions and components effect on the structure of the entrepreneurial university: a succession for the success of the Third Generation Universities. Technol Progress. 2017; 13(52): 8- 15.
10. Khosravi Pour B, Roshani N. Third Generation University: An Entrepreneur and a Fortune-teller Why and How. Proceeding of The 2nd International Congress on Empowerment in Management, Economics, Entrepreneurship and Cultural Engineering; 2017 May 6;Tehran:Civilica;p.2-7.
11. Corbin J, Strauss A. Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory. 2nd ed. New York: Sage publications, Inc; 2008.